

از تردید تا تعهد

۴

بزرگترین دروغی که
درباره انتظار شنیده ایم

۱۰

۳۸

صبا

نشریه کانون مهدویت دانشگاه فردوسی مشهد
شماره ۳۸ - آذر ماه ۱۴۰۴

ای پی نشانه‌ای که خدا را نشانه‌ای



شناسنامه

دوماهنامه کانون مهدویت
دانشگاه فردوسی مشهد

شماره ۳۸ - آذر ماه ۱۴۰۴

مدیرمسئول: محمد علی ایمن شهیدی

سر دبیر: محمد علی ایمن شهیدی

مسئول اجرایی: مائده جعفری

مشاور: اطهر پوراسماعیل

ویراستار: محمد علی ایمن شهیدی

طراحان صفحه:

فاطمه میرحسینی و متینه میرزایی

هیئت تحریریه:

محمد علی ایمن شهیدی، فائزه پور فتاحی،
فاطمه پیروز، افسانه جوان، ریحانه چراغیان،
پریسا زرقامی



آدرس صفحه صاحب در اینستاگرام:

@saheb_fum



فهرست مطالب

- ۳..... شروع پرواز
- ۴..... از تردید تا تعهد
- ۶..... فاطمیه، تمرین ولایت‌مداری برای عصر ظهور
- ۹..... اگر امام‌زمان (عج) امروز در مراسم فاطمیه شرکت می‌کرد...
- ۱۰..... بزرگترین دروغی که درباره انتظار شنیده‌ایم...
- ۱۲..... گمشده‌ای از مهدویت

شروع پرواز

محمدعلی ایمن شهیدی
کارشناسی حقوق - ورودی ۱۴۰۲

اغیار. انتظار عجیبی داریم؛ قلبش را می‌رنجانیم و دلش را می‌شکنیم و باز هم جمعه‌ها صدایش می‌زنیم که بیاید. برای کدامیک از ما بیاید؟ اصلاً چیزی در قلب‌هایمان نگه داشته‌ایم که میزبان او باشد؟!

آری، نگه داشته‌ایم. یعنی دسته‌کم امیدوارم که هنوز باشد، الماس حُب علی (علیه‌السلام) و اولادش هیچ‌گاه از بین نمی‌روند فقط کافیسست غبار فراموشی را از روی آن بزداییم.

اصلاً همین‌که گاهی به یاد او نفس می‌کشیم مگر نازیباست؟ برای شروع به جا آوردن رسم دلدادگی باید از نقطه‌ای آغاز کنیم، چه بهتر که آن نقطه از حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) جان بگیرد. حال که از عزاداری شهادت ایشان گذشته‌ایم و در ایام ولادتشان قرار داریم، نیکوست که حضرت صاحب (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) را با حضرت مادر بشناسیم.

دفتر خاطرات قلبم را ورق زدم؛ همان دفتری که مدت‌ها در گوشه‌ای از ناخودآگاهم خاک می‌خورد و به سمتش نرفته بودم، و در این‌هنگام دریافتم که فراموشش کرده‌ام؛ امام دوازدهم را می‌گویم. آخر قرار بود همیشه به فکرش باشیم و یادش را در دل‌هایمان جای دهیم. اما چه کنم که پرده دل‌مشغولی‌های روزگار رقم زد آنچه را که نباید رقم می‌زد. گویی او را گاهی یاد می‌کنم که فقط عذاب وجدان

نگیرم، اگر هم خیلی تلاش کنم جمعه‌ها صدایش می‌زنم که آقا جان کجایی؟؟

دلش فریادها دارد از این ذهن‌های سرکش و قلب‌های فراموش‌کار؛ ذهن‌هایی که فقط هنگام محاسبات زمینی و فشارهای روزگار به سمتش حرکت می‌کنند و قلب‌هایی که قرار بود خانه‌ای برای جای دادن محبت و لطفش می‌بود اما تبدیل شد به خانه محبت



از تردید تا تعهد

شک سازنده؛ چرا انتظار؟

افسانه جوان
دانش آموخته کارشناسی ارشد مدرسی معارف قرآن و حدیث - ۱۴۰۰

باقی بماند ممکن است در مقابل هجوم شبهات اساسی، تاب مقاومت نداشته باشیم و باور ما متزلزل گردد. حال آن که شک سازنده، نه تنها یک تهدید نیست بلکه می‌تواند موتور محرکه‌ی اندیشه‌ی انسان باشد؛ این نوع شک، در وهله‌ی اول، ما را به بازخوانی درونی باورهای مان سوق می‌دهد و سپس به جستجوی بیرونی در منابع معتبر وا می‌دارد تا هرکس ابتدا از خود بپرسد که امام زمان از چه جایگاهی برخوردار است و فایده وجود امام غایب چیست، سپس به علل این غیبت و رابطه و وظایف خود نسبت با امام پردازد.

آگاهی از این موارد و بسیاری از امور دیگر در باب مهدویت سبب می‌شود تا بدانیم انتظار حقیقی چیست؟ چرا باید منتظر باشیم و چگونه می‌توانیم یک منتظر واقعی باشیم، آن‌گاه می‌توان از پوسته‌ی ظاهری انتظار، به مغز و محتوای غنی این مفهوم دست یافت. تردیدی که به یقین می‌انجامد،

در منظومه‌ی مهدویت، واژه‌ی «انتظار» همواره با حس امید و سرزندگی آمیخته شده است و می‌تواند جوانه‌ی صبر جمیل را در وجود انسان بارور سازد اما آنچه که اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد، نقش سازنده‌ی شک و تردید در تحکیم و تعمیق این انتظار است. اگر به مهدویت و مقوله انتظار نگاه تک بعدی داشته باشیم و تنها به جنبه‌ی عاطفی آن توجه کنیم این امر، اگر چه در پیوند قلبی ما با امام زمان و توجه به ایشان موثر است اما گاهی می‌تواند به نوعی منجر به خودخواهی شود چرا که امام زمان را محدود به منافع و رفع خواسته‌ها و مشکلات خویش کرده و دغدغه اصلی ما دیدن چهره ایشان می‌شود.

از سویی دیگر، ارتباط قلبی ما با ایشان و یا حتی رویت ایشان در خواب، نمی‌تواند برای دیگران حجت باشد، از این رو، اگر در برابر اشکالات دیگران، نتوانیم مدافع آن‌چه که باور داریم، باشیم و انتظار ما سطحی و شعاری



بودن نخواهند پذیرفت» هم‌چنین در بخشی دیگر درباره اهمیت نگاه عالمانه به مساله مهدویت در کنار ارتباط عاطفی با حضرت، آورده‌اند: «نباید تصور کرد پرداختن عالمانه و عاقلانه به مباحث مهدویت، در مقابل برخورد عاطفی در این زمینه است، نه تنها برخورد عالمانه و عاقلانه با موضوع منجی، هیچ‌گونه منافاتی با گرایش عاطفی به امام زمان ندارد بلکه هنگامی که عقل‌ها روشن شوند، عاطفه‌ها هم شعله‌ور تر خواهند شد و معرفت، مایه‌ی تحکیم و تعمیق همین رابطه عاطفی قرار خواهد گرفت و آن را از سطح عامیانه ارتقا خواهد داد... منظور این نیست که تصور شود فهمیدن عقلانی و منطقی امام زمان کلاسش بالاتر از گریه کردن است، اتفاقاً اگر کسی فهمش درباره امام زمان بالا رفت، به جای اشک، خون گریه خواهد کرد».

بنابراین، مسیر صحیح انتظار، مسیری است که در سایه‌ی پرسش‌گری سازنده و معرفت مستدل به بلوغ می‌رسد و یک منتظر را از دغدغه‌های شخصی به دغدغه‌های والاتر ارتقا می‌دهد.

تعهدآور است و انتظاری را پدید می‌آورد که دیگر یک تسلی صرف برای آینده نیست، بلکه برنامه‌ای عملیاتی و هدفمند برای حال است و ما را از یک انتظار منفعلانه به انتظاری پویا رهنمون می‌سازد و سبب می‌شود که امام زمان را تنها در نان و نمک زندگی خود خلاصه نکنیم بلکه برای آرمانی که بناست جهانی را زیر پرچم اسلام متحد سازد تلاش کنیم و برای ساختن یک خود بهتر و جهان بهتر گام برداریم. یکی از کتاب‌های مفیدی که می‌تواند در نوع نگاه انسان به مهدویت و مساله انتظار کمک کند، کتاب «انتظار عامیانه، عالمانه، عارفانه» است؛ استاد پناهیان در بخشی از این کتاب یکی از آثار سوء نگاه عامیانه به موضوع منجی و مهدویت را عدم اشاعه فرهنگ اصیل انتظار در جهان بشریت دانسته و چنین گفته‌اند: «وقتی ما سطحی نگاه کردیم و تحلیلی عالمانه از موضوع مهدویت و منجی ارائه ندادیم، کم‌کم این موضوع به یک امر خیالی و خرافی تبدیل می‌شود و در چنین شرایطی خیلی‌ها موضوع منجی و مهدویت را به دلیل غیرعقلانی



فاطمیه، تمرین ولایت‌مداری برای ظهور الگوبرداری از دخت نبی اکرم (ص)

فاطمه پیروز
دانش‌آموخته کارشناسی روان‌شناسی - ورودی ۹۹

خداوند متعال با حکمت بالغه خویش، سرنوشت انسان را با حضور وی در دنیا مقرر نمود و این سرا را محل آزمون ایمان وی قرار داد و در این مسیر هم دو گزینه را پیش روی انسان قرار داد و آن دو عبارت هستند از حق و باطل.

در طول تاریخ بشریت، برخی طرفدار حق شدند و حق‌گرا و بعضی پیرو باطل و حق‌ستیز. این دوگانگی در انتخاب، به تدریج موجب جبهه‌بندی طرفداران این دو گزینه شد و انبیا و اولیای الهی و مؤمنان و حق‌طلبان در یک طرف میدان نبرد و شیطان، فرعونیان، نمرودیان و باطل‌گرایان در سوی دیگر میدان؛ و این نبرد تا کنون و تا قیامت ادامه خواهد یافت. اما خدای متعال پیوسته به حاکمیت مؤمنان بر جهان بشارت داد. در این میان همه پیامبران و اوصیای ایشان و مؤمنان، منتظر ظهور و غلبه حق و حقیقت بر باطل در سراسر جهان بودند و در مسیر تحقق آن تلاشها نمودند، البته موفق به دستیابی به چنین هدفی نشدند؛ اما همان خدایی که وعده‌های پیشین را به مؤمنان داد، توسط پیامبر خاتم خود، حضرت محمد (صلی الله و علیه و آله)، این نوید را تکمیل نمود که دوازدهمین جانشین و امام پس از وی، حضرت حجت بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همان موعودی است که عدالت و معنویت و توحید را در سراسر عالم غلبه و نشر خواهد داد؛ اما منتظران موعود، تا ظهور آن امام منتظر و غلبه نهایی

اللهم صل على محمد و آله
فرجهم
اللهم صل على محمد و آله



حق طلبان بر باطل گرایان، موظف به انجام تکالیفی شدند.

یکی از مهم‌ترین تکالیف حق طلبان در جبهه حق، وحدت و همبستگی بین خود آن‌ها و مقابله قدرت مندانه و منسجم در برابر دشمنان حق ستیز است، چرا که سپاه باطل با انسجام و وحدت خود، حول رهبران شیطانی، سعی در نابودی حق طلبان داشته و دارند و آیا در مقابل یک جمعیت منسجم، جز با جمعیت منسجم می‌توان ایستاد؟

نکته بسیار مهم در جهت ایجاد هبستگی و همگرایی جبهه حق، توجه و اهتمام به محور این وحدت و سازماندهی است که در فرهنگ ناب اسلام با کلید واژه «امامت و ولایت» شناخته می‌شود؛ زیرا به فرمایش امام رضا (علیه السلام): «الامامة زمام الدین و نظام المسلمین؛ امامت، نگه دارنده دین و نظام بخش مسلمانان است»

این ولایت آن قدر برای خداوند متعال اهمیت دارد که یکی از ارکان اسلام معرفی شده است.

جالب توجه اینکه دشمنان جبهه حق نیز به این نکته پی برده و با به حاشیه راندن امامت و رهبری جامعه مسلمین، سعی در ایجاد تفرقه و به هم ریختگی و تضعیف این جبهه نمودند و این همان هشدار بود که بارها رسول اکرم (صلی الله و علیه و آله) نسبت به آن تذکر داده بودند و همگان را به حفظ این محور پیروزی بخش فرا می‌خواندند.

یکی از شخصیت‌های بی نظیری که به این موضوع مهم اهتمام ورزیده و زندگی خویش را در حمایت محور امامت و ولایت، فدا نمود، دختر رسول اعظم، حضرت صدیقه طاهره بود.



الشریف) و مشتاقان غلبه حق بر باطل و شناخت وظایف اجتماعی آن‌ها خواهد بود.

امروز که در عصر غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سر می‌بریم ما نیز آزمون پذیرش ولایت را پیش روی خویش می‌بینیم؛ که اگر این آزمون دشواری که از مسلمانان صدر اسلام گرفته شد، از ما گرفته نشود، عدالت در آزمون‌های الهی برقرار نشده، فلذا یقیناً این آزمون برای ما نیز وجود دارد اما در شکلی دیگر و با ظاهری جدید.

آری! آزمون بزرگ ولایت‌مداری ما تبعیت از فقیه جامع الشرایطی است که مدبرانه زمام امور را به دست گرفته است و با پیروی از بانوی گرامی اسلام علم مبارزه با کفر و نفاق را در اهتزاز نگه داشته است. لذا وظیفه هر شیعه ولایت‌مدار، پیروی از ولایت فقیه است تا با تاسی به حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) ، با سکوت ولیّ زمان خویش، سکوت و با فریاد او فریاد سر دهد.

دختر رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اسوه ای نیکو برای هر منتظری است که تمام توان معرفتی و عاطفی خویش را در جهت حفظ و تقویت ولایت معصومین در مرحله اول و ولایت فقیه و حاکم حکومت اسلامی که به فرمایش حضرت امام خمینی ادامه ولایت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و معصومین (علیه‌السلام) است، صرف نماید و حملات و ترفندهای دشمنان جبهه حق را خنثی نماید.

شاید بتوان گفت که اوج ولایت‌مداری یک فرد در زمانی معلوم می‌گردد که ولیّ خدا تنها مانده باشد و نیاز به یاری و کمک داشته باشد. حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) در این چنین زمانی به یاری امام زمان خود یعنی امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) شتافت و تمام تلاش خود را برای یاری آن حضرت به کار بست و در این مسیر لطمه‌های زیادی بر ایشان وارد شد.

ایشان با توجه به آنچه که بیان شد بارها نسبت به حمایت از امامت جامعه مسلمین و حق طلبان، تا پیروزی نهایی حق بر باطل تذکر داده و فرمود: «اگر از ائمه معصومین اطاعت کنید، شما را هدایت خواهند نمود و اگر مخالفت ورزید، تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد بود» و معلوم است که با وجود اختلاف، شکست جبهه حق حتمی و وعده غلبه حق بر باطل به تأخیر خواهد افتاد.

سیره شهادت طلبانه حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) در حقیقت آینه تمام نما و الگویی جامع برای همه منتظران ظهور حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه



اگر امام زمان (عج) امروز در مراسم فاطمیه شرکت می‌کرد... آن که گم شده ماییم

پریسا زرقامی
کارشناسی ارشد آب و هوا شناسی گرایش تغییر اقلیم - ۱۴۰۳

اگر امام زمان (عج) امروز در مراسم فاطمیه شرکت می‌کرد...

- پرسید فاطمیه شروع شده؟!
گمان کردم هنوز مانده است؛ آخر حال و هوایش را حس نکردم! صدای روضه نمی‌آید! یا دست کم چون محرم بانگ نمی‌زنند!!

آری عزیز من
فاطمیه شروع شده ♥
صدایش را نمی‌شنوی؟!
می‌گویند: مرد که گریه نمی‌کند اما این گریه، دل چاه راهم لرزانده است؛ نمی‌شنوی؟!
می‌دانم...

اگر ولی بود که این روز در تاریخ ما گم نمیشد!
اگر ولی بود که روضه مادر خصوصی نمیشد...
اگر ولی بود وصیت زهرا (سلام‌الله‌علیها) به فرزندانیش تا روز قیامت کم‌حال که هیچ، بر دل هایمان بانگ میشد...
در ندبه بخوانمت یا عهد؟
- ای زنده کننده آنچه از احکام قرآن که فراموش شده است -
آری عزیزمن

تفاوت است میان آنچه امروز از فاطمیه درک می‌کنیم با آنچه در حضور ولی!
اگر ما در محضر معصوم، آن کسی که واسطه بین ما و خداست بودیم، در یک مجلس می‌توانستیم چند کتاب فقهی استفاده کنیم و مجالس بعد برای چیزهای دیگر باشد؛ چه برسد به این که در یک فرع، اینقدر معطل شویم.*

چه می‌شد اگر کسی را داشتیم که عالم به حقایق و شریعت بود و فیض حضور او را نیز داشتیم تا در زمان کم، احکام را به ما تعلیم می‌کرد و نمی‌گفت احتیاط کنید!
آخر در حضور او که دیگر زهرا غریب نیست، دیگر پیکر مطهرش گمنام نیست...
آن که گم شده ماییم؛ گم شدگانی که ولی و سرپرست خود را انتظار می‌کشند، گم شدگانی که برای نشستن به سوگ مادر در کنار منتقم خون اصحاب کساء، مویه می‌کنند.
وفا ندارد...

خانه‌ای (دنیا) که در آن قلب علی (علیه السلام) را شکسته‌اند وفايي ندارد.
اهل این خانه منتظر مهدی فاطمه است...

* اشاره به روایتی از پیامبر اکرم که چهل روز درمورد مسئله‌ای در یک مجلس بحث شده و در نهایت هم با احتیاط از آن خارج شده‌اند.

بزرگترین دروغی که درباره انتظار شنیده ایم

تقابل عدل و ظلم در آیین مهودیت

فائزه پورفتاحی
کارشناسی مدیریت آموزشی، ورودی ۱۴۰۱



گسترش فساد.
انتظار منجی نه تن دادن به ظلم است و نه کمک به فراگیر شدن ظلم؛

هدف از ذکر گسترش فساد به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور، هرگز ترویج آن نیست، بلکه نشان دادن این حقیقت است که وقتی بشر در گرداب ظلم و فساد غرق شود و تمامی نظام‌ها و قوانین ساخته دست خودش ناکارآمدی خود را در برقراری عدالت مطلق نشان دهند، در آن نقطه آمادگی فکری کامل برای پذیرش یک منجی الهی در انسان‌ها پدید می‌آید. در چنین شرایطی است که جامعه بشری، با دل‌های خسته و روح‌های درمانده، به دنبال نجات بخشی می‌گردد که با برنامه‌های آسمانی، همه نابسامانی‌ها را پایان بخشد.

اما مهم‌ترین نکته، تعیین نقش و جایگاه ما در جریان این انقلاب بزرگ است. بدیهی است که اگر ما به گسترش فساد و گناه کمک کنیم، در زمره کسانی قرار خواهیم گرفت که حضرت علیه آنها قیام می‌کند تا بساط ظلم و فسادشان را برچینند. در مقابل، اگر در مسیر اصلاح جامعه و مبارزه با فساد گام برداریم، از یاوران و همکاران آن حضرت محسوب

این پرسش برای برخی مطرح است که اگر شرط ظهور امام زمان (عج) فراگیر شدن ظلم و فساد در جهان است، آیا نباید با انجام گناه و کمک به گسترش فساد، زمینه‌سازی کرده و ظهور را نزدیک‌تر کنیم؟

همانطور که شهید مطهری می‌گوید: مقصود از گسترش ظلم آن است که هر یک از شقی و سعید (بدبخت و خوشبخت) گروه حق و باطل به نهایت کار خود می‌رسند: ستمکاران و بدکاران به درجه ای از بدی و نابکاری می‌رسند که لهیب آتش آنان، همه را فرا می‌گیرد و صالحان در مظلومیت هستند.

باید به این نکته توجه کرد، که شرط ظهور حضرت مهدی (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) منحصر به افزایش فساد و ستم نیست. یک شرط اساسی‌تر و مهم‌تر، بلوغ فکری و روحی جامعه بشری است. زمانی که مردم جهان به درجه‌ای از رشد و کمال برسند که بتوانند ارزش وجود امام و رهبری الهی را درک کنند و شایستگی همراهی با او را داشته باشند، آن حضرت بدون هیچ مانعی ظهور خواهند کرد. بنابراین، تمرکز اصلی باید بر روی خودسازی و ارتقای معنوی باشد، نه



شده و در لشکر انقلابی ایشان جای خواهیم گرفت. بنابراین، حتی اگر فرض کنیم با گسترش فساد بتوانیم ظهور را تسریع کنیم (که نمی‌توانیم)، در واقع در حال تغییر جایگاه خود از یاور به دشمن هستیم و چگونه می‌توانیم از انقلابی که برای نابودی فساد است، بهره‌مند شویم در حالی که خود از مروجان فساد بوده‌ایم؟ به طور خلاصه می‌توان گفت انتظار عصاره بیداری است نه گوهر خواب؛ به این معنا که فرد منتظر بدون عملکردی منفعلانه به دیدی روشن به آینده، برای اصلاح خود و جامعه می‌کوشد.

در نهایت، سکوت در برابر فساد یا کمک به توسعه آن، عملی کاملاً نادرست و غیرمنطقی است. به نظر می‌رسد این شبهه و استدلال غلط را بیشتر در سکوت می‌توان یافت تا توجیهی داشته باشند که راه را برای ارتکاب گناهان هموار سازند.

گمشده‌ای از مهدویت

مهدویت بدون فاطمیه ناقص است؛ چرا؟

ریحانه چراغیان
کارشناسی علوم سیاسی - ۱۴۰۳

عدالت‌خواهی، شجاعت، عبادت، آگاهی و آمادگی برای دفاع از حق را در خود پرورش بدهد. این صفات، در رفتار و گفتار حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) در ماجرای فاطمیه به‌وضوح دیده می‌شود. او با شجاعت در برابر انحراف ایستاد، با بصیرت حقیقت را بیان کرد و با فداکاری هزینه‌های دفاع از ولایت را پذیرفت.

پس جامعه‌ای که این الگو را نشانسد، انتظارش سطحی و بدون شناخت خواهد بود. به همین دلیل، فاطمیه مدرسه‌ای است که جامعه منتظر، باید از آن درس بگیرد.

ظهور امام غایب در واقع برای برگرداندن عدالت، احیای حق و اصلاح انحرافات تاریخی است. این اهداف، همان چیزهایی است که در فاطمیه مورد ظلم واقع شده است.

فاطمیه آغاز انحراف، و ظهور پایان آن است. بنابراین بدون شناخت فاطمیه، فهم مهدویت مانند دیدن انتهای یک داستان، بدون دانستن آغاز آن خواهد بود. مهدویت و فاطمیه دو مفهوم جداگانه و بی ارتباط نیستند، بلکه دو مرحله از یک مسیر تاریخی و اعتقادی هستند.

فاطمیه ریشه در اعتقاد به امامت و سرچشمه نیاز به منجی است و مهدویت نتیجه منطقی همان حقیقتی است که در فاطمیه برای دفاع از آن ایستادگی شد. به همین دلیل، فهم کامل مهدویت بدون درک فاطمیه ممکن نیست و انتظار حقیقی، تنها زمانی از سطح احساس فراتر می‌رود که بر پایه معرفت فاطمی استوار باشد.

مهدویت یکی از مبانی اعتقادی شیعه و محور امید و عدالت‌خواهی و آینده‌نگری در اندیشه اسلامی است که بدون درک و فهم واقعه فاطمیه و نقش حضرت فاطمه زهرا در دفاع از ولایت و بنیاد اسلام، امکان پذیر نیست.

در واقع فاطمیه فقط یک حادثه تاریخی نیست، بلکه نقطه شروع انحراف جامعه از خط امامت و منشا نیاز به ظهور منجی است.

همانطور که می‌دانید، باور به ظهور امام زمان (عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف) یکی از مولفه‌های ثابت در اعتقادات شیعی است. این باور صرفاً احساسی یا آینده‌نگرانه نیست؛ بلکه نتیجه یک سیر تاریخی و معرفتی است که از زمان رحلت پیامبر و ماجرای سقیفه بنی ساعده شروع شد. در این میان واقعه فاطمیه و مواضع حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) درباره امامت، جایگاه بنیادین در تبیین مسیر مهدویت دارد، پس می‌توان گفت که فهم هدف ظهور، بدون درک سرچشمه انحرافات تاریخی ممکن نمی‌شود. فاطمیه صرفاً یادآوری مظلومیت حضرت زهرا نیست، بلکه تبیین کننده ماهیت

ولایت و مرجع اصلی شناخت حق از باطل است. آن حضرت اولین شخصی بود که بعد از رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) برای حفظ امامت و جلوگیری از انحراف در خلافت کوشید و با ایستادگی، انحرافات را روشن ساخت. همین مسئله بیانگر این است که مشخصاً مساله امامت فقط امری شخصی و خانوادگی نبود، بلکه حقی الهی و زیربنای هدایت جامعه بوده است.

جامعه‌ای که انتظار ظهور را دارد، باید ویژگی‌هایی همچون بصیرت،

